

نگاهی دیگر به علامه طباطبایی رحمه الله و مجموعه آثار ایشان

حسین علیزاده

در آغاز

متنی که پیش روی شماست حاوی بررسی‌ای درباره نحوه احیا و ارائه مطلوب مجموعه آثار فیلسوف متأله و علامه شهیر مرحوم آیت‌الله سید محمد حسین طباطبایی تبریزی است که در چند بخش تنظیم شده است:

نخست برخی از ویژگی‌ها، اهمیت و شمه‌ای از میزان اثرگذاری علامه و آثارش را یادآور شده و سپس به بیان برخی از بایسته‌های پژوهشی در مسیر ارائه بهینه آن آثار پرداخته‌ایم. آن‌گاه درباره اهم بایسته‌ها، نخست به کارهای انجام شده تا کنون، به ویژه مجموعه ۲۱ جلدی منتشره از سوی انتشارات بوستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) که به همت و کوشش استاد سیدهادی خسروشاهی عرضه شده پرداخته و ضمن شمارش برخی از مزایا و کاستی‌های آن مجموعه به ارائه پیشنهادهایی برای انجام بهتر و کامل‌تر تدوین و نشر مجموعه آثار اقدام کرده‌ایم.

برخی از ویژگی‌ها و اهمیت آثار مرحوم علامه (ره)

برخلاف پندار برخی از بدبینان که سخن از سترون شدن یا زوال اندیشه (فلسفی، سیاسی یا غیر آن) در ایران می‌رانند، ایران هم از دیرباز مهد حکمت و اندیشه‌ورزی بوده و هم هنوز چراغ پرفروغ خرد در آن روشن و نورخیز است. بر این سخن دلایل چندی می‌توان اقامه کرد که در این مجال به دنبال آن نیستیم اما برای نمونه باید گفت که هنوز اندیشه تابان فارابی‌ها، ابن سیناها، سهروردی‌ها، مولوی‌ها، خواجه نصیرها و ملاصدراها نورافشان است و حتی رو به سوی نورافشانی بیشتر نیز دارد و این به برکت آثار وجودی نخبگان، اندیشمندان و بزرگانی همچون آیت‌الحق استاد علامه سید محمد حسین طباطبایی است. علامه طباطبایی که به شهادت آثار بی‌بدیل و شاگردان فراوان و چشمگیرش، بی‌تردید از بزرگ‌ترین مفاخر عصر ماست، آغازگر حرکت علمی، فلسفی پر دامنه‌ای شد که همچنان موجب برکت روزافزون در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های ایران و جهان به ویژه جهان شیعه شده است.

در این مختصر نه مجال آن است و نه قصد تحلیل و بررسی عمق و ابعاد این نهضت و شناخت ابعاد گوناگون شخصیت و اندیشه علامه را داریم. این مهم تاکنون به عللی از جمله به علت «حجاب معاصر» صورت نگرفته و به قول استاد شهید مطهری، یکی از زنده‌ترین شاگردان علامه، شاید تا قرن‌ی مجال بخواهد!

چکیده:

نویسنده در نوشتار حاضر، نحوه احیا و ارائه مطلوب مجموعه آثار علامه طباطبایی را مورد بررسی قرار داده است. وی در راستای این هدف، در بخش نخست، برخی از ویژگی‌ها، اهمیت و شمه‌ای از میزان اثرگذاری علامه و آثارش را یادآور شده است. سپس، بعضی از بایسته‌های پژوهشی در مسیر ارائه بهینه آن آثار را بیان می‌دارد. آنگاه درباره اهم بایسته‌ها، نخست به کارهای انجام شده تاکنون، به ویژه مجموعه ۲۰ جلدی منتشره از سوی انتشارات بوستان کتاب که به کوشش سیدهادی خسروشاهی عرضه شده، پرداخته و ضمن شمارش برخی از مزایا و کاستی‌های آن مجموعه، پیشنهادهایی در جهت انجام بهتر و کامل‌تر تدوین و نشر مجموعه آثار علامه ارائه می‌کند.

کلیدواژه‌ها:

علامه طباطبایی، مجموعه آثار، محمد حسین طباطبایی تبریزی.

یک علت دیگر نیز شاید عدم عرضه به موقع و بهینه آثار این اندیشمند بزرگ مسلمان باشد. در این مختصر تنها به عنوان مقدمه و اشاره در پی یادآوری و تأکید بر اهمیت آثار علامه و ضرورت احیا و نشر بهینه آن هستیم و از این رو لازم به نظر می‌رسد که بگوییم.

در سیر اندیشه و فلسفه اسلامی پس از ملامت‌داری شیرازی - صدر المتألهین - نامداران و بزرگانی همچون ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجی - داماد و شاگرد صدرا -، ملاعلی نوری (که ۷۰ سال در اصفهان به تدریس فلسفه مشغول بوده)، میرزا ابوالحسن جلوه (که به مدت ۵۰ سال چراغ عقل و اندیشه فلسفی را در تهران عصر ناصری روشن نگه داشت)، حاج ملاهادی سبزواری، حکیم آقا محمدرضا قمشه‌ای، ملا عبداللّه زنوزی و فرزندش آقای علی مدرس زنوزی در عرصه اندیشه فعال بوده‌اند. در عصر خود علامه طباطبایی بزرگانی همچون آقا سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و میرزا مهدی آشتیانی نیز چراغدار حکمت بودند، اما به جرأت می‌توان گفت که این نامبرندگان عظیم‌الشان، با همه زحماتی که کشیده‌اند و جایگاه رفیعی که داشته و دارند، به دلایلی هیچ یک توفیق عظیم و درخشش پدیده علامه طباطبایی (ره) را نیافتند. به تحقیق، شهرت و اعتبار و اهمیت علمی، فلسفی و اثرگذاری اندیشه‌ورزانه علامه با هیچ یک از متفکران معاصر دیگر قابل قیاس نیست. بزرگانی که اغلب همچون استاد مطهری به شاگردی علامه افتخار می‌کرده‌اند.

کیفیت و کمیت و عمق و جامعیت آثار علمی علامه و نیز شاگردان نامدار و پرشمار ایشان بی‌تردید نقش عظیمی در احیای فلسفه و خردورزی در حوزه علمیه قم و سپس کل ایران و بلاد شیعه داشته‌اند، اما بهتر است اندکی در این باب دقیق‌تر شویم و فقط برخی از ویژگی‌های علامه و اندکی از نوآوری‌ها و کمی از راز توفیق ایشان را بازگو کنیم:

۱. علامه از بزرگ‌ترین پیشگامان نقد فلسفی غرب، به ویژه مارکسیسم و ماتریالیسم فلسفی بود و «اصول فلسفه و روش رئالیسم» ایشان بی‌شک در این مورد کتابی بسیار مهم و دوران‌ساز است و شهرت و تأثیر آن بی‌نیاز از توصیف. هر چند شرح مفصل استاد شهید مطهری اهمیت و فایده آن را بسیار افزون کرده است.

۲. روزآمد کردن ادبیات فلسفی و روش طرح بحث و تبویب جدید مباحث از سوی ایشان ابتکاری و بی‌سابقه بود که یک نمونه آن همان روش رئالیسم، بدایة الحکمة و نهایة الحکمة است.

۳. نخستین فیلسوف مسلمان که از نظریه معرفت، معرفت‌شناسی و ذهن‌شناسی فلسفی، علم‌النفوس و لزوم روانشناسی فلسفی ادراکات سخن گفت و با چیرگی تمام ادراکات اعتباری را بررسی و مطرح کرد و آنها را از ادراکات حقیقی تفکیک نمود علامه بود و اهمیت این مباحث

کلیدی و مبنایی در فلسفه معاصر بردانایان پوشیده نیست.

۴. در هستی‌شناسی و مباحث مربوط به حرکت، تحول و زمان نیز علامه به صورتی ابتکاری و در قالبی تازه و ناظر به نیازها و پرسش‌های فلسفی روز سخن می‌گفت.

۵. علامه در فلسفه تطبیقی نیز استادی مبتکر و پیشگام بود. گفتگوهای مفصل ایشان با اسلام‌شناس، شرق‌شناس و ایران‌شناس معروف، پرفسور هانری کربن که اعجاب و تحسین آن فیلسوف و محقق نامدار و جمعی دیگر از دانشگاهیان برجسته را برانگیخته بود، از فصل‌های درخشان و مثال‌زدنی اثرگذاری‌های علامه در این عرصه است.

۶. علاوه بر فلسفه، تضلع علامه در سایر علوم اسلامی، به ویژه تفسیر قرآن کریم و کلام و عرفان مثال‌زدنی است و تفسیر پرافتخار «المیزان» ایشان از موجبات آبروی بیشتر شیعه و احیاگر تفسیر عقلی اسلام و قرآن در جهان و مایه گسترش روزافزون معارف قرآنی شد.

۷. شیعه‌شناسی و معرفی فرهنگ اهل بیت (ع) به جهان (نیز از طریق زبان‌های دیگر) به ویژه دو اثر مهم «شیعه در اسلام» و «قرآن در اسلام» علامه جنبه دیگری از آثار ماندگار ایشان است که بیشتر به کمک برخی از دوستان و شاگردان زبان‌دان ایشان (همچون پرفسور کربن، پرفسور ویلیام چیتیک، پرفسور نصر و...) صورت گرفت.

۸. توجه به عرفان‌های دیگر و مذاهب هندی و چینی و بودایی نیز در کنار توجه به ادبیات عرفانی همچون ابن عربی، شیخ شبستری و حافظ، در برنامه و پروژه فکری گسترده ایشان بود که گزارش استادانی همچون دکتر شایگان و مرحوم آیت‌الله پهلوانی (سعادت پرور) در این باب موجود و قابل توجه است.

برخی از بایسته‌های پژوهشی درباره آثار علامه

در عین حال و با همه مزایای بسیار که تنها اندک و اجمالی از آن گفته آمد، دریغ و صددریغ که تاکنون (و تا همین اواخر دهه ۱۳۸۰ش) اغلب آثار علامه چاپ درست، منقح، روزآمد و آبرومندی نداشته و گاهی هنوز ندارد! سهل است که برخی از آثار تا اندکی پیش‌تر و یا هنوز به چاپ معمولی هم نرسیده است!

ناشران گوناگون از سال‌های دهه پنجاه شمسی برخی از آثار را در قطع جیبی و گاهی با کاغذ کاهی! و با حروف چینی نامناسب و اغلاط و... چاپ کرده‌اند که مایه شرمساری است و نشانگر آشفتگی و هرج و مرج بیمارگونه و تأسف آور وضع نشر در دهه‌های اخیر در ایران!

امروزه با وجود گذشت بیش از ۷۰ سال از تألیف برخی از آثار علامه و پس از گذشت ۳۳ سال از درگذشت ایشان و با وجود انواع مؤسسات و بنیادها و بودجه‌های کلان دولتی و مردمی و... هنوز مرکز و مؤسسه‌ای

که عهده دار وظیفه مهمی همچون تنظیم و نشر آثار علامه باشد موجود نیست و صاحبان حکومتی که اکثر بزرگان و پدید آورده‌گانش از شاگردان و مریدان و وامداران اندیشه‌های علامه‌اند، خود را در این باب مسئول نمی‌دانند!

عجیب و جالب توجه است که آن همه شهرت، اعتبار، محبوبیت و اثرگذاری‌های علامه که برخی از آن یاد شد، در شرایطی است که هنوز مجموعه آثار ایشان به طور کامل در دست نیست و برخی تا همین اواخر به فارسی هم ترجمه نشده بود!

بدیهی است که اگر آثار ایشان زودتر و بهتر عرضه شده بود و یا برخی به زبان‌های دیگر عرضه می‌شده، میزان اثرگذاری ایشان به مراتب بیش از این می‌بود.

بایسته‌های پژوهشی درباره آثار و اندیشه‌های علامه بسیار است و در اینجا باز هم فقط برخی از آنها را. آن هم منهای اثرستبرگ تفسیری ایشان یعنی المیزان. فهرست وار بازگو کرده و در نهایت فقط به یکی از مهم‌ترین و لازم‌ترین و مقدماتی‌ترین آنها می‌پردازیم.

۱. کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی علامه. توضیح اینکه علاوه بر آثار اصلی ایشان، آثار فراوانی که برگرفته و گزیده آثار ایشان است نیز منتشر شده

که جمعاً ده‌ها عنوان (و شاید نزدیک به ۱۲۰ عنوان) است. ده‌ها کتاب و هزاران مقاله نیز در نشریات یا ویژه‌نامه‌های مربوط به ایشان درباره زندگی و آثار و اندیشه‌های علامه پدید آمده است. ده‌ها پایان‌نامه نیز به ویژه در موضوعات قرآنی و فلسفی درباره دیدگاه‌های علامه وجود دارد که اغلب چاپ نشده است، اما جای یک کتاب‌شناسی و نرم‌افزار جامع در این باره همچنان خالی است.

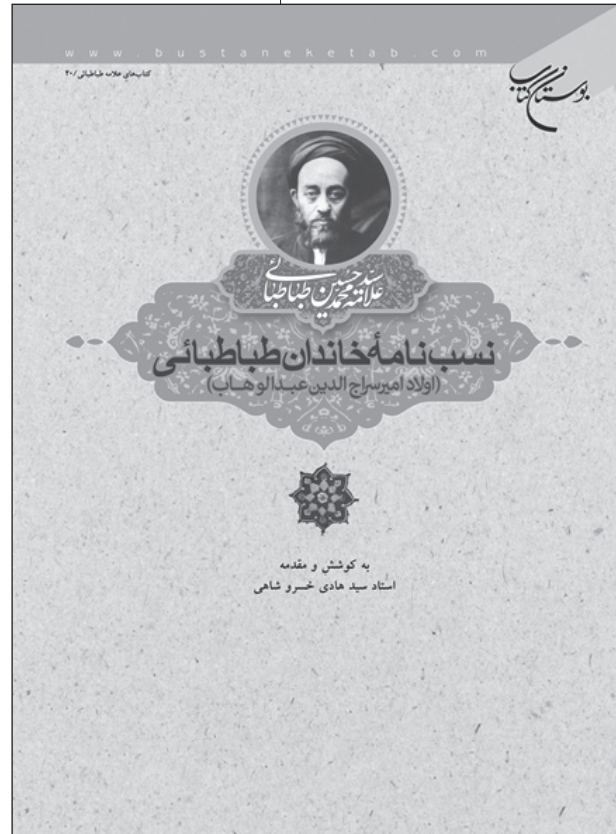
۲. بسیاری از آثار علامه به دلیل فشرده و عمیق بودن نیاز به شرح و تبیین و آسان‌سازی یا گاهی تلخیص برای سطوح پایین‌تر دارد. چنان‌که برخی نیز باید گزیده‌نویسی و گلچین شود تا علاوه بر خوانندگان متخصص یا خاص، مخاطبان عام و جوانان و حتی نوجوانان هم از آنها بهره‌جویند و جای این کار هم خالی است.

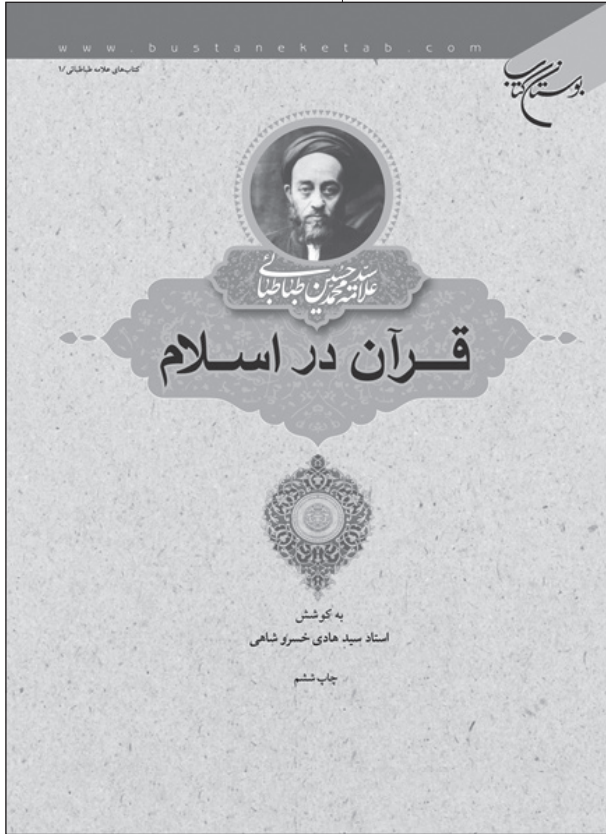
۳. تاریخ شفاهی و خاطرات مربوط به علامه نیز چندان ثبت و ضبط و گردآوری نشده است. هنوز دیر نیست و بسیاری از شاگردان ایشان و برخی فرزندان و عده‌ای از بستگان و نوادگان حضور دارند و این مهم بایست هرچه زودتر صورت گیرد.

۴. زندگینامه مفصل، کامل و تحلیلی که با استفاده از همه اطلاعات و خاطرات مربوط به بند ۳ و نیز اسناد و مکاتبات مربوط به علامه باشد بسیار لازم و مفید خواهد بود. علاوه بر این چنین اثری می‌تواند دستمایه بسیار مناسبی برای نوشتن داستان‌ها و ساختن فیلم براساس زندگی و آرای ایشان باشد.

۵. ترجمه کامل آثار به عربی و انگلیسی و چند زبان زنده دیگر (به ویژه اردو و اسپانیولی که پرمخاطب‌اند و نیز ترکی، فرانسه و آلمانی و ...) ضروری است. حتی آثار عربی علامه نیز بهتر است که ویرایش یا حتی بار دیگر ترجمه گردد و به زبان عربی روز نزدیک‌تر شود.

۶. تکمیل مجموعه آثار و عرضه نهایی کل آنها همراه با یادداشت‌ها، حاشیه‌ها، نامه‌ها و تقریرات ایشان از اهم بایسته‌هاست.





۷. تهیه نمایه جامعی از مجموعه آثار، علاوه بر نمایه‌های جداگانه هراثر که در پایان آن باید بیاید، یکی دیگر از بایسته‌هاست.

نگاهی به کتاب‌های علامه، منتشره از سوی بوستان کتاب

استاد سیدهادی خسروشاهی یکی از شاگردان و همشهریان علامه است که خود دارای آثار فراوان و ارزشمند است. یکی از خدمات ماندگار ایشان در سال‌های اخیر، عرضه مجموعه‌ای ۲۱ جلدی از آثار علامه است. این مجموعه در کنار دوره ۲۰ جلدی المیزان است و شامل آن نمی‌شود.

ایشان در پیشگفتار خود، در آغاز نخستین مجلد از آن مجموعه که «قرآن در اسلام» است، درباره موضوع موردنظر این نوشتار توضیحاتی آورده است که قابل توجه است و در ادامه بخشی از آن را می‌خوانیم:

این جانب به عنوان یکی از شاگردان کوچک علامه طباطبایی در تفسیر قرآن و فلسفه و افتخار ربع قرن مصاحبت استاد، از سالیانی پیش، اغلب رساله‌ها، مقالات، نامه‌ها و اشعار و دیگر آثار فارسی ایشان را جمع‌آوری کرده و زیر نظر و اشراف مستقیم و کامل خودشان، به تنقیح و ویرایش و تحقیق و تکمیل آنها پرداختم که چگونگی بعضی از این امور را در مقدمه «مجموعه رسائل» و مجموعه مقالات ایشان: «بررسی‌های اسلامی» شرح داده‌ام.

و اکنون پس از احساس نیاز مبرم جامعه اسلامی، به ویژه طلاب حوزه‌های علمیه ایران. و دیگر بلاد. به شناخت و درک و فهم اندیشه‌های علامه طباطبایی، با مراجعه به اصل آثار ایشان و پس از موافقت کتبی جناب آقای مهندس عبدالباقی طباطبایی. فرزند ارشد ذکور علامه. گام اساسی را در این زمینه برمی‌داریم و با همکاری صمیمانه مسئولان محترم دفتر تبلیغات اسلامی قم و مؤسسه بوستان کتاب امیدواریم که بتوانیم با نشر کامل متون اصلی آثار علامه طباطبایی خدمتی به جامعه علم و فرهنگ انجام دهیم.

در این مجموعه سعی کرده‌ایم که متن اصلی آثار علامه را. بدون هیچ گونه شرح و بسطی در داخل متن و یا حتی در پاورقی‌ها. بیاوریم و بعد شرح و توضیح مقدمه یا مؤخره استادان و بزرگان و علمای محترمی را که به این مهم پرداخته‌اند به طور مستقل و در پایان هر کتاب یا رساله و مقاله‌ای نقل کنیم تا خوانندگان در بررسی و مطالعه دچار اشتباه به دلیل خلط مباحث نشوند.

کتاب‌ها و رساله‌ها و مقالاتی که به یاری خدا و به تدریج در این مجموعه خواهد آمد به ترتیب تنظیم ما عبارتند از:

- | | | |
|----------------------------|--------------------------|---------------------------|
| ۱. قرآن در اسلام | ۲. شیعه در اسلام | ۳. انسان از آغاز تا انجام |
| ۴. رسائل توحیدی | ۵. اصول فلسفه | ۶. آغاز فلسفه |
| ۷. انجام فلسفه | ۸. شیعه | ۹. رسالت تشیع |
| ۱۰. مجموعه رسائل (۱) | ۱۱. مجموعه رسائل (۲) | ۱۲. مجموعه رسائل (۳) |
| ۱۳. روابط اجتماعی در اسلام | ۱۴. بررسی‌های اسلامی (۱) | ۱۵. بررسی‌های اسلامی (۲) |
| ۱۶. لباب اللباب + مصاحبات | ۱۷. گلچینی از معارف | ۱۸. تعالیم اسلام |

۱۹. سنت‌های پیامبر

۲۰. مستدرکات

(شامل اجازات، نامه‌ها، تقریظ‌ها، اشعار، رساله آل طباطبا و...)

پس از توضیحات ابتدایی آقای خسروشاهی نام ۲۴ تن از استادانی را که از همکاری علمی آنها در تدوین و تنظیم این مجموعه آثار بهره‌مند شده‌اند، به ترتیب الفبا آورده است که برخی از آنان عبارتند از:

- | | | |
|------------------------|----------------------------|------------------------------|
| ۱. احمدی میانجی، علی | ۲. بزرگمهر، منوچهر | ۳. تهرانی، سیدمحمدحسین حسینی |
| ۴. حائری یزدی، مهدی | ۵. حجتی کرمانی، محمدجواد | ۶. خسروشاهی، سیدهادی |
| ۷. سحابی، دکتریدالله | ۸. سیدعلوی، سیدابراهیم | ۹. شیروانی، علی |
| ۱۰. فلاتوری، محمدجواد | ۱۱. قاضی طباطبایی، محمدعلی | ۱۲. کرین، هانری |
| ۱۳. گرامی، محمدعلی | ۱۴. لاریجانی، صادق | ۱۵. محمدی گیلانی، محمد |
| ۱۶. مکارم شیرازی، ناصر | ۱۷. مهدی‌پور، علی‌اکبر | ۱۸. نصر، سیدحسین |
| ۱۹. همتی، همایون | | |

آقای خسروشاهی سپس افزوده است: هریک از این اساتید و بزرگان با نوشتن مقدمه، شرح، توضیح بر آثار علامه طباطبایی یا ترجمه متنی، به نحوی و به نوبه خود در تاریخ معینی نقشی خاص در احیا و غنابخشی به این آثار ایفا کرده‌اند که از یکایک آنها برای این همکاری علمی تشکر می‌کنیم و از اینکه رسماً و کتباً به ما اجازه دادند که این مجموعه را با ترجمه یا توضیحات و افاضات آنها برای علاقمندان عرضه کنیم سپاس مضاعف داریم.

نگاهی به برخی از مزایا و کاستی‌های مجموعه آثار موجود

از آنجا که استاد خسروشاهی خود نیز در پایان مقدمه یاد شده‌شان بر نخستین جلد از مجموعه یادآور شده و با عبارت تأکیدی زیر خواهان اظهار نظر برای رفع نواقص مجموعه شده‌اند در اینجا نکاتی را می‌آوریم. ایشان به درستی مرقوم داشته‌اند: بی‌تردید هرگونه پیشنهاد و اظهار نظر اصلاح طلبانه بزرگان و اساتید محترم را در راستای رفع نواقص احتمالی تنظیم این مجموعه آثار، در چاپ‌های بعدی با کمال میل و اشتیاق پذیراییم و بی‌شک این امر موجب شادی و رضایت روح پرفتوح مرحوم علامه طباطبایی. قدس سره. هم خواهد بود.

اینک در ابتدا از نقاط قوت و مزایای مجموعه آغاز کرده و سپس برخی از کاستی‌ها را برای نمونه ذکر می‌کنیم:

۱. پیش از هر چیز باید تأکید کرد که الحق و الانصاف کار ارزشمند استاد خسروشاهی جای تقدیر و سپاس فراوان و شایان دارد؛ به ویژه اگر این مجموعه را با وضع آشفته و نابسامان پیشین در امر انتشار آثار علامه مقایسه کنیم. یعنی ایشان چند گام مطمئن به سوی وضع مطلوب برداشته‌اند و تا حدود بسیاری حق استادی و حتی هم‌ولایتی بودن! مرحوم علامه را به جای آورده‌اند.

۲. مجموعه ۲۱ جلدی که تا کنون بیشتر آن در ۷ سال اخیر منتشر شده است، کاری است که به گفته استاد در حقیقت از زمان حیات علامه به تدریج آغاز شده و با همکاری جمعی از استادان که خود اغلب از شاگردان علامه بوده‌اند اینک ثمر داده است. این نقطه قوت و حسن بزرگی است که نشانگر آشنایی با محتوای مجموعه و اشراف لازم بر آن بوده است. البته در ادامه خواهیم آورد که همین تنوع و گستردگی همکاران موجب اشکال و آفت مهمی نیز شده است.

۳. کل مجموعه در قطع وزیری و با طرح جلد یکسان و در قالب سایر مجموعه آثار بزرگان مشابه نشر یافته است که جلد آجری رنگ مغز پسته‌ای آنها همراه با تصویری از میانسالی علامه بر روی جلد است. در پشت

علامه از بزرگ‌ترین پیشگامان نقد فلسفی غرب، به ویژه مارکسیسم و ماتریالیسم فلسفی بود و «اصول فلسفه و روش رئالیسم» ایشان بی‌شک در این مورد کتابی بسیار مهم و دوران‌ساز است و شهرت و تأثیر آن بی‌نیاز از توصیف.

جلد نیز معرفی اجمالی همان مجلد و کل مجموعه آورده شده است.

۴. در آغاز هر جلد معمولاً پس از شناسنامه اثر، فهرست مطالب و در پایان بخشی به عنوان «نمایه» که اغلب فقط شامل فهرست اعلام و نه نمایه است آورده شده است.

۵. صفحه‌آرایی مجموعه نیز عمدتاً مناسب و همسان است. از چند نوع حروف و فونت‌های متفاوت برای مطالب اصلی و فرعی و پاورقی‌ها استفاده شده و در آغاز هر جلد، چهار صفحه رنگی به رنگ سبز همراه با دست‌نویس بسم‌الله الرحمن الرحیم از امام خمینی (ره) در صفحه نخست آمده که بر زیبایی کار افزوده است. کاش در این‌گونه موارد از دست‌نویس‌های خود علامه نیز استفاده می‌شد!

۶. در پایان هر جلد معمولاً چکیده عربی و انگلیسی‌ای از کتاب ارائه شده که در نوع خود مفید و تا حدی ابتکاری محسوب می‌شود.

۷. مزایای دیگری هم برای مجموعه مذکور می‌توان برشمرد و قطعاً سعی کوشندگان به‌ویژه استاد خسروشاهی و ناشران بوستان کتاب و ویراستار محترم آقای ابوالفضل طریقه‌دار انشاء الله مشکور خواهد بود. به گمان این راقم و ارزیاب کوچک، در مجموع و اگر بنا بر امتیازبندی کارشناسانه و در عین حال همدلانه باشد، باید این خدمت بزرگ فرهنگی را یک موفقیت ارجمند ارزیابی کرده و به جمیع ساعیان و تلاشگران آن تبریک گفت؛ چراکه از ۱۰۰ امتیاز (با توجه به جوانب مختلف کار) شاید بیش از ۶۵ و گاه بیش از ۸۰ امتیاز را می‌توان برای این کار منظور کرد، اما به دلایلی که در پی خواهد آمد، هنوز گام بلند دیگری به سوی نقطه مطلوب و ایده‌آل باقی است و شاید بتوان گفت که لااقل نزدیک به یک چهارم کار همچنان برجا مانده است!

۸. استاد خسروشاهی در مقدمه خود و گزارشی که از اسامی همکاران داده‌اند تصریح نکرده‌اند که هر یک چه کاری را انجام داده‌اند و حتی نام برخی از بزرگان همچون پرفسور ویلیام چیتیک و مترجم ایشان آقای دکتر سید محمد ثقفی که مجلد موسوم به گلچینی از معارف تشیع را ارائه کرده‌اند و دکتر سیدیحیی یثربی را از قلم انداخته‌اند. باید یادآوری و تأکید کرد که نام این استادان و عمدتاً مترجمان بعداً کنار هم قرار گرفته و هیچ یک از قبل جزء مجموعه‌ای نبوده و از کار هم خبر نداشته‌اند! یعنی در طول ۳-۴ دهه گذشته هر یک از ایشان با انگیزه شخصی اثری از علامه را. گاه در حد یک مقاله. ترجمه و چاپ کرده‌اند و اینک کار آنها فقط در کنار یکدیگر قرار گرفته و عمدتاً فقط ویرایش صوری و صفحه‌آرایی شده است.

اشاره کردیم که همین تنوع قلم‌ها و نگرش‌ها و گرایش‌ها و سلیقه‌های گوناگون وحدت رویه را در ترجمه از بین برده و آشفتگی ایجاد کرده است که به ذکر نمونه‌های اندکی بسنده خواهیم کرد. اصولاً در ارائه مجموعه آثار مطلوب از هر بزرگی رعایت انسجام و هماهنگی و رعایت شیوه‌نامه‌ای واحد از ضروریات اولیه است، اما می‌بینیم که در ارائه ۲۱ جلد مذکور که بعضاً چندان هم مفصل و پرحجم نیست، جمعاً بیش از ۲۵ قلم و مترجم دخیل بوده‌اند!

این اشکال مهم. که مسئول آن هم نه دبیر محترم این مجموعه که همان تشیئت پیشین است. نشان می‌دهد که لااقل برخی از این آثار آن هم پس از گذشت چهار تا پنج دهه از نگارش و ترجمه نیاز به بازبینی و ترجمه مجدد و به روز دارد. همین اتفاق در زمان حیات علامه در ترجمه مفصل المیزان رخ داد که خوشبختانه بعداً زیر نظر خود ایشان و یکی از مترجمان از شاگردان ایشان. مرحوم موسوی همدانی. یکدست شد، ولی درباره سایر آثار که حجم کمتری هم دارند، دریغ که این توفیق هنوز حاصل نشده است!

۹. در اینجا به دو سه نمونه از ترجمه‌ها نظری کنیم: نمونه اول ترجمه رساله الولایه از دکتر همایون همتی است که با عنوان ولایت‌نامه آمده و در سال ۱۳۶۴ انجام شده است. آقای همتی در نامه خود (مجموعه رسائل،

در عین حال و با همه مزایای بسیار که تنها اندک و اجمالی از آن گفته آمد، دریغ و صد دریغ که تا کنون (و تا همین اواخر و دهه ۱۳۸۰ش) اغلب آثار علامه چاپ درست، منقح، روزآمد و آبرومندی نداشته و گاهی هنوز ندارد!

کمتر است و ایشان با کاردانی بیشتری نسبت به دیگران کار را انجام داده‌اند.

۱۰. نمونه دیگر ترجمه رسائل توحیدی است که به قلم آقای علی شیروانی (باز هم در دوره جوانی و دانشجویی و در سال ۶۹ ش) صورت گرفته است. ایشان در ترجمه حدیثی از امام صادق (ع) در پاسخ ملحدی که پرسیده بود: خداوند چیست؟ در ص ۲۲ چنین تأسف آور و نازل عمل کرده‌اند:

«فرمود: هوشی بخلاف الاشياء، ارجع بقولی: شیء الی اثبات معنی، و انه شیء بحقیقة الشیئیة غیر انه لاجسم و لاصوره؛ خداوند چیزی است برخلاف دیگر چیزها، به عبارت دیگر: ثابت کردن معنایی است، [!] و اینکه او شیئی است به حقیقت شیء بودن، جز اینکه جسم و شکل نیست».

در حالی که با دقت در عبارت و با توجه به مطالب قبل و بعد همان رساله، ترجمه درست چنین است:

او چیزی است جداگانه و نه همانند دیگر چیزها. و اینکه گفتیم «چیز» معنای خاصی دارد و آن اینکه او حقیقتاً چیزی است [و نه مانند دیگر موجودات، ناچیز] بی آنکه جسم و شکلی داشته باشد».

ضمناً یکی از پژوهشگران به نام آقای محمدعلی کوشا سال‌هاست که کتاب شیعه در اسلام را ویرایش و تصحیح کرده و پانوشته‌های مفیدی به آن افزوده‌اند که بارها هم چاپ و تدریس شده است، اما متأسفانه در این مجموعه همان چاپ‌های قبلی دوباره تجدید شده است و از زحمات ایشان بهره نگرفته‌اند که باز لابد به علت بی‌اطلاعی بوده است! حال آنکه چندین چاپ کتاب یادشده از سوی انتشارات ادبا کاملاً در دسترس است.

۱۱. پیش‌تر نمونه‌ای از اغلاط یا عدم ویرایش‌های درست را در ضمن متن و با کروش نشان دادیم، اینک نمونه‌ای دیگر از ویرایش و صفحه‌آرایی (در ص ۱۲۶ و ۱۲۷) رسائل توحیدی: دو کلمه «از» و «جد» و نیز «از» و «زید» به خاطر عدم رعایت فاصله می‌تواند به غلط یک کلمه خوانده شود به این ترتیب: «ازجد» و «اززید» و از سوی دیگر در صفحه مقابل در کلمه شوره‌زارها فاصله افتاده و دو کلمه شده است و نظایر آن بسیار است؛ چراکه برای یک دست بودن وجود شیوه‌نامه‌ای واحد و رعایت دقیق آن الزامی است.

۱۲. یکی از کمبودهای مهم مجموعه کمبود انواع فهرست‌ها و به ویژه نداشتن «نمایه» کامل در هر جلد است. البته چیزی به عنوان نمایه معمولاً در پایان هر مجلد آمده است که آن نیز روش واحد و استاندارد را نشان نمی‌دهد. مثلاً در کتاب قرآن در اسلام، تحت عنوان نمایه،

جلد دوم، ص ۱۱) به استاد خسروشاهی تأکید دارد که «تقاضا مندم فقط متن ترجمه را چاپ بفرمایید و از توضیحات و یادداشت‌های اینجانب که هنوز خام است و نیاز به بازنگری و بازنویسی دارد» [، استفاده نشود. نیز تقاضا دارم حتماً ویرایش بفرمایید و هر تصحیحی که مقتضی است اعمال فرمایید»؛ چراکه ترجمه مزبور مربوط به دوران جوانی و دانشجویی ایشان است. استاد خسروشاهی هم نفرونده‌اند که چه اصلاح و تصحیحی اعمال کرده‌اند و با دقت در متن به نظر می‌رسد که چنان‌که گفتیم جز ویرایش صوری و صفحه‌آرایی نبوده است! ویرایشی که نمونه‌ای از آن در کروش بالا و در متن زیر و در ادامه می‌آید.

ضمناً آقای همتی در مقدمه کتاب (صفحه ۲۴، ۲۵) درباره شیوه خود در ترجمه آورده‌اند: «نخواستیم که در مراعات نکات فنی و دستوری و سواس به خرج دهیم... در این مورد هیچ داعیه‌ای ندارم... و از بزرگان تمنای ارشاد و هدایت دارم و می‌دانم که... دریغ نخواهد کرد و نیز تعهد داشته‌ام تا... همچون برخی نوگرایان و تجدیدگاران از پارسی سره استفاده نکنم... بلکه برعکس قصدم این بوده که کلمات اصیل و جاافتاده عربی و مصطلحات عرفانی را به پارسی سره ترجمه نکنم، لذا از معادل‌سازی و نوآوری‌های مناسب پرهیز کرده‌ام». هم ایشان در صفحه ۳۵ رساله، بی‌یتی منسوب به امام سجاده (ع) را اصلاً ترجمه نکرده‌اند.

در همانجا ایشان می‌نویسد: «در تمام وارد! [موارد صحیح است]، در ترجمه آیات قرآن کریم - جز در مواردی اندک - از ترجمه استاد الهی قمشه‌ای - رحمة الله علیه - سود جستیم» که باید پرسید چرا از ترجمه مندرج در المیزان - که رأی و نظر خود علامه است - در ترجمه اثر خودشان استفاده نشود که اینک به صورت جداگانه هم چاپ شده است؟!

ضمناً آقای دکتر همتی ویرایش جدیدی از همین ترجمه خود را در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسانده‌اند (نشر روایت فتح) که در چاپ این مجموعه مورد توجه نبوده است!

مترجم رساله‌ای دیگر در همان جلد آقای مهدی قوام صفری است که باز کار را در دوره دانشجویی خود در سال ۱۳۶۹ ش انجام داده است. ایشان نیز (در صفحه ۱۵۴) نوشته است: «سعی شده عبارت‌های فارسی مطابق عبارت‌های عربی باشد و از نقل به معنای [!] جداً خودداری شد، زیرا نگارنده اعتقاد دارد که ترجمه، ترجمه است نه تألیف و تصنیف. [!]»

البته ایشان برخلاف آقای همتی که خواسته بودند توضیحاتشان حتماً حذف شود، ۳۳ مورد تعلیقه و توضیح در پانوشته‌ها آورده‌اند که عمدتاً لازم و مفید است و در رساله مورد ترجمه جناب همتی هم نظایر آن لازم بود که انجام نگرفته است. همچنین یادآور شویم که خوشبختانه این‌گونه موارد در ترجمه آقای صادق لاریجانی و برخی مترجمان دیگر

۴. جلد مجموعه از نوع چرمی و بادوام همراه با روکش باشد یا لاقط از نوعی جلد میانه. نه چرمی و نه مقوایی. بلکه پلاستیکی روکش دار بادوام و شیک استفاده شود.

۵. ستون بندی هر صفحه باریک تر شود و در عوض در حاشیه سفید ایجاد شده چکیده متن و تیتراهای تفصیلی راست چین و چپ چین بیاید که بسیار در خوانش متن و مفهوم سازی آن مفید است.

۶. تاریخ هراتر معلوم شود و مجموعه به صورت موضوعی و تاریخ دار و با شماره جلد و یکی پس از دیگری، در پی هم عرضه شود.

۷. مأخذیابی مطالب آثار به طور کامل صورت گیرد و همه آیات و احادیث و اشعار و امثال و اقوال بزرگان هم فهرست شود.

۸. از حروف چینی و صفحه آرایی و فونت های مناسب تر و جذاب تر استفاده شود. طراحی جلد نیز بهتر و چشم نوازتر و با استفاده از عکس های بهتر علامه در روی جلد و صفحه داخلی بعد صورت گیرد.

۹. بسم الله اول هر جلد از دست نویس مربوط به علامه باشد.

۱۰. یک مقدمه واحد جامع که حاوی زندگینامه و چکیده مهم آرای علامه و ... باشد، به طور یکسان در اول هر جلد بیاید.

۱۱. چکیده نویسی انگلیسی و عربی که فعلاً بسیار محدود در حد ۵۰ تا ۶۰ کلمه است، بسط یافته و کامل تر و در حد لاقط ۱۰۰ کلمه باشد تا در فهرست نویسی ها و اطلاع رسانی های مربوط به کتاب ها در کتابخانه های خارج و داخل بیشتر نشانگر محتوای کتاب باشد.

۱۲. در پایان و به عنوان یکی از پیشنهادهای مهم تر در جهت رفع یکی از کاستی های اصلی آثار موجود، باز تأکید باید کرد که نمایه سازی کامل (تهیه index سراسری) کتب علامه و عرضه آن چه به صورت کاغذی و چه در یک جلد جداگانه و پیوست این مجموعه و چه به صورت DVD و نرم افزار از اهم بایسته هاست و تفصیل این مطلب خود مجالی دیگر می طلبد و البته اهل فن روش انجام آن را خود به خوبی می دانند. این مسئله گام مهمی است که هنوز ناپیموده مانده است و درباره آثار همه بزرگان ضرورت تام دارد.

فهرست آیات و سپس اعلام (به صورت درهم) آمده است. در همین جلد فهرست روایات نیامده و اعلام آن فقط شامل اشخاص و کتب است و نه سایر اعلام تاریخی، جغرافیایی، فرق و ...، در حالی که در مجموعه رسائل جلد اول و دوم، اعلام و کتب و مکان ها از اعلام اشخاص جدا شده و فهرست آیات و ... هم ندارد!

در رسائل توحیدی که سرشار از آیات و روایات است، باز فهرست آیات و روایات نیامده و اعلام آن فقط شامل اشخاص و کتب است و این بار اماکن و سایر اعلام نیامده است!

درباره اهمیت، ضرورت، فواید و چگونگی نمایه در معنای درست علمی آن باید جداگانه سخن گفت و فعلاً به همین مقدار بسنده می شود و در پایان برای عرضه بهینه این مجموعه نفیس در چاپ های بعدی پیشنهادهای زیر تقدیم می شود.

پیشنهاها

۱. چند نمونه خوب خارجی و داخلی مجموعه آثار که اکنون دیگر شیوه رایجی در ارائه آثار بزرگان شده و حتی در زمان حیات و زیر نظر خودشان صورت می گیرد عبارتند از: مجموعه آثار امام خمینی (ره) و استاد شهید مطهری که از بسیاری از کاستی های مذکور مبرا و بیشتر مزایای لازم را در بردارند؛ به ویژه مجموعه سخنان و پیام های امام که با عنوان صحیفه امام از سوی دفتر تنظیم و نشر آثار ایشان عرضه شده است. از نمونه های دیگر در کشورهای عربی و اسلامی به ویژه لبنان، مصر و سوریه می توان آثار عقاد، طه حسین، جبران خلیل جبران و میخائیل نعیمه را نام برد. آثار غربیان هم که در سطح مطلوب تری از نظرنوع چاپ و عرضه و تدوین و ویرایش قرار دارد، گاه چنان مرغوب و شیک و جذاب و به احسن وجه ارائه می شود که بسیار مطلوب بوده و زینت بخش کتابخانه ها است و می باید که از جنبه های مثبت آن که یکی از آنها Index یا همان نمایه است الگو گرفت.

از این رو رعایت نکات ریز و درشت بعدی در این باب لازم یا لاقط مفید و اولی محسوب می شود.

۲. کل آیات به کاررفته در آثار باید براساس ترجمه خود علامه و رأی ایشان در المیزان باشد که اینک به همت آقای سید محمد رضا صفوی سال هاست که از تفسیر، تفکیک و جداگانه چاپ شده است؛ مگر آنکه خود مؤلف در همان اثر رأی دیگری و ترجمه دیگری ارائه داده باشد.

۳. شایسته است که کل ترجمه ها یک بار دیگر و با قلم واحدی هماهنگ شود و از افراط و تفریط عربی گرایی یا پارسی گرایی و ... پرهیز شود و پانوشت های لازم برای فهم متن یا حتی تیتراژهای در داخل متن و درون کروه افزوده گردد.